

خطبه منا

حدود یک سال پیش از مرگ معاویه، بسیاری از اصحاب پیامبر (ص) و علمای اسلام به درخواست امام حسین (ع) در ایام حج در منا جمع شدند و امام (ع) برای ایشان سخنرانی فرمود. در بخش اول خطبه، امام (ع) جایگاه و منزلت خاندان پیامبر (ص)، از جمله امام علی (ع) و امام حسن (ع) و خود را یادآوری می‌کنند، و حاضران به این جایگاه گواهی می‌دهند. این سخنان امام حسین (ع) مقابله‌ای بود با تلاش وسیع معاویه برای تخریب چهره‌ی امام علی (ع) و فرزندان ایشان، و همچنین یادآوری جایگاه امامت در میان مردم.

امام در بخش دوم خطبه، ضمن اشاره به فساد و ظلم موجود در جامعه و ظایف خطیر عالمان را یادآور می‌شود و به‌خصوص بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌نماید و چنین می‌گوید:

«إِعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ: لَوْلَا يَنْهَاهُمْ الرَّبَائِيُونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمْ الْأَثَمَ وَقَالَ: لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - إِلَى قَوْلِهِ - لَكُنْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ مِنَ الظَّالِمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفُسَادَ فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَحْذَرُونَ وَاللَّهُ يَقُولُ: فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَآخِشُوا النَّاسَ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِّمِهِ بِأَنهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأَقِيمَتْ إِسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيَّئِهَا وَصَعِبَهَا وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقِسْمَةُ الْفِيءِ وَالْغَنَائِمِ وَآخِذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضْعِهَا فِي حَقِّهَا.

«ای مردم، از آنچه خدا به اولیای خود پند داده عبرت بگیرید، از نكوهشی که بر عالمان دینی [یهود] کرده، آنجا که فرموده: چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] باز نمی‌دارند؟» [سوره‌ی مائده، ۶۳] و فرموده: از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند. [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند. راستی، چه بد بود آنچه می‌کردند [سوره‌ی مائده، ۷۹-۷۸].

خداوند از آن جهت ایشان را مذمت کرد که از ستمگرانی که در میانشان بودند زشتی و فساد را می‌دیدند و نهیشان نمی‌کردند؛ به طمع آنچه از آن ظالمان به ایشان می‌رسید و از بیم آنچه از آن حذر می‌کردند، و [حال آنکه] خداوند فرموده: از مردم نترسید و از من بترسید [سوره‌ی مائده، ۴۴] و فرموده: مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند [سوره‌ی توبه، ۷۱].

خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان امری واجب از جانب خویش آغاز کرد، زیرا می‌دانست که اگر این [فریضه] ادا شود و بر پا گردد، همه‌ی فرایض، از آسان و دشوار، بر پا می‌شوند؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است، به همراه باز گرداندن حقوق ستمدیدگان و مخالفت با ستمگر و تقسیم [عادلانه] ثروت‌های عمومی و غنایم و گرفتن زکات از جای خود و صرف آن در موارد بسزای خود.

ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ عَصَابَةُ الْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَبِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ. يَهَابُكُمُ الشَّرِيفُ وَيُكْرِمُكُمُ الضَّعِيفُ وَيُؤْثِرُكُمُ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَلَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ، تُشَفَّعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طُلَابِهَا وَتَمَشُّونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَكَرَامَةِ الْأَكَابِرِ أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا نَلْتَمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصُرُونَ فَاسْتَخَفَّيْتُمْ بِحَقِّ الْأَثَمَةِ، فَأَمَّا حَقُّ الضَّعَفَاءِ فَضَيَّعْتُمْ وَأَمَّا حَقُّكُمْ بِزَعَمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ فَلَا مَالَ بَدَلْتُمُوهُ

۱ سوره‌ی مائده، ۶۳-۶۲: و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرام‌خواری خود شتاب می‌کنند؛ واقعاً چه بد اعمالی انجام

می‌دادند. * چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرام‌خواری‌شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند.

۲ در تحف‌العقول این کلمه «اثمة» است، ولی با توجه به متن، احتمالاً این کلمه «امة» بوده و در نسخه‌برداری اشتباه ثبت شده است.

وَلَا نَفْسًا خَاطَرْتُمْ بِهَا لِلَّذِي خَلَقَهَا وَلَا عَشِيرَةً عَادِيْتُمُوهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ. أَنْتُمْ تَتَمَنَّوْنَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَ مُجَاوَرَةَ رُسُلِهِ وَ أَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ؟

پس شما ای گروه قدرتمند که به علم شهرت دارید و به نیکی از شما یاد می‌کنند و به خیرخواهی معروف شده‌اید و به خاطر خدا در دل مردم مهابتی پیدا نموده‌اید، مرد مقتدر از شما بیم دارد و ناتوان به تکریم شما برمی‌خیزد و آن کس که هیچ برتری و قدرتی بر او ندارید شما را بر خود مقدم می‌دارد، هر گاه نیازمندان از رسیدن به نیازهای خود محروم گردند شما را واسطه می‌گیرند و در راه‌ها با هیبت شاهان و احترام سران و بزرگان گام برمی‌دارید، آیا همه اینها بدان امید نیست که به استوار داشتن حق خدا قیام کنید؟ اگرچه در [ادای] بیشتر حقوق خداوند کوتاهی کردید و حق امت^۳ را خوار شمردید؛ پس حقوق ضعیفان را تباه ساختید، و در طلب آنچه که حق خود می‌پنداشتید برآمدید. [در راه ادای این حقوق] نه مالی خرج کردید و نه جانی را به خاطر آن که خلش کرده به خطر انداختید و نه در راه خدا با عشیره‌ای در افتادید. آیا شما از درگاه خداوند، بهشت او و همنشینی پیامبرانش و امان از عذابش را آرزو دارید؟

لَقَدْ خَشِيتُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُتَمَنُّونَ عَلَى اللَّهِ أَنْ تَحِلَّ بِكُمْ نِقْمَةٌ مِنْ نِقْمَاتِهِ لِأَنَّكُمْ بَلَعْتُمْ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ فَضَلَّيْتُمْ بِهَا وَمَنْ يَعْرِفُ بِاللَّهِ لَا تُكْرِمُونَ وَأَنْتُمْ بِاللَّهِ فِي عِبَادِهِ تُكْرِمُونَ وَقَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنقُوضَةً فَلَا تَفْزَعُونَ وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّ آبَائِكُمْ تَفْزَعُونَ وَ ذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ مَحْقُورَةٌ مَحْقُورَةٌ وَالْعُمَى وَالْبُكْمُ وَالزَّمْنَى فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تُرْحَمُونَ وَلَا فِي مَنْزِلَتِكُمْ تَعْمَلُونَ وَلَا مَنْ عَمِلَ فِيهَا تُعِينُونَ. وَ بِالْأَدِهَانِ وَالْمُصَانَعَةِ عِنْدَ الظُّلْمَةِ تَأْمَنُونَ كُلُّ ذَلِكَ مِمَّا أَمَرَكُمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ النَّهْيِ وَ التَّنَاهِي وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ.

ای آرزومندان از درگاه خدا! می‌ترسم کيفری از کيفرهای او بر شما فرود آید، زیرا شما از کرامت خدا به منزلتی دست یافتید که بر دیگران برتری داده می‌شوید. کسی را که به وسیله‌ی خدا به شما شناسانده می‌شود گرامی نمی‌دارید، و خود به سبب خدا در میان بندگان گرامی داشته می‌شوید. می‌بینید که پیمان‌های خدا شکسته می‌شود و باکتان نیست. اگر پاره‌ای از پیمان‌های پدران‌تان شکسته شود نگران [و پریشان] می‌گردید، و [حال آنکه] پیمان رسول خدا خوار و ناچیز شده است. کوران و گنگان و بیماران زمینگیر در شهرها به حال خود رها شده‌اند و به آن‌ها ترحمی نمی‌شود. [با این حال،] شما به کاری که شایسته‌تان است بر نمی‌خیزید و دیگران را نیز در این راه مدد نمی‌رسانید و با مسامحه و سازش با ستمکاران خود را آسوده می‌دارید. این همه، از جمله چیزهایی است که خدا شما را بدان فرمان داده، [یعنی] نهی [از بدی] و بازداشتن یکدیگر^۴ [از زشتی‌ها]، و شما از آن غافلید.

وَأَنْتُمْ أَعْظَمُ النَّاسِ مُصِيبَةً لِمَا غُلِبْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ مَنَازِلِ الْعُلَمَاءِ لَوْ كُنْتُمْ تَشْعُرُونَ ذَلِكَ بِأَنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأُمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ فَأَنْتُمْ الْمَسْلُوبُونَ تِلْكَ الْمَنْزِلَةَ وَمَا سُلِبْتُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِتَفْرِيقِكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَ اخْتِلَافِكُمْ فِي السُّنَّةِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ الْوَاضِحَةِ وَلَوْ صَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى وَ تَحَمَّلْتُمُ الْمُؤُونَةَ فِي ذَاتِ اللَّهِ كَانَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ تَرِدُ وَ عَنْكُمْ تَصْدُرُ وَ إِلَيْكُمْ تَرْجَعُ وَ لَكِنَّكُمْ مَكَّنْتُمُ الظُّلْمَةَ مِنْ مَنْزِلَتِكُمْ وَ اسْتَسَلَّمْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ سَلَّطَهُمْ عَلَى ذَلِكَ فِرَارَكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَ اعْجَابُكُمْ بِالْحَيَاةِ الَّتِي هِيَ مُفَارِقَتُكُمْ فَأَسَلَّمْتُمْ الضُّعْفَاءَ فِي أَيْدِيهِمْ فَمِنْ بَيْنِ مُسْتَعْبَدٍ مَقْهُورٍ وَ بَيْنِ مُسْتَضْعَفٍ عَلَى مَعِيشَتِهِ مَغْلُوبٍ يَتَقَلَّبُونَ فِي الْمُلْكِ بَارَائِهِمْ وَ يَسْتَشْعِرُونَ الْخِزْيَ بِأَهْوَائِهِمْ اقْتِدَاءً بِالْأَشْرَارِ وَ جَرَاءً عَلَى الْجَبَّارِ فِي كُلِّ بَلَدٍ مِنْهُمْ عَلَى مَنَبَرِهِ خَطِيبٌ مُصَنِّعٌ فَلَا أَرْضَ لَهُمْ شَاغِرَةً وَ أَيْدِيهِمْ فِيهَا مَبْسُوطَةٌ وَ النَّاسُ لَهُمْ حَوْلٌ لَا يَدْفَعُونَ يَدَ لَا مِسٍّ، فَمِنْ بَيْنِ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ ذِي سَطْوَةٍ عَلَى الضُّعْفَةِ شَدِيدٍ، مُطَاعٍ لَا يَعْرِفُ الْمُبْدَأَ الْمُعِيدَ.

۳ یا «پیشوایان»، که در این صورت مقصود پیشوایان به حق است. ر.ک. پاورقی قبل.

۴ در متن عربی «النهی و التناهی» آمده، و تناهی در مورد یک گروه یا جامعه به کار می‌رود که اعضای آن یکدیگر را از بدی‌ها باز می‌دارند.

فَيَا عَجَبًا وَمَا لِي لَا أَعْجَبُ وَالْأَرْضُ مِنْ غَاشٍ غَشُومٍ وَ مُتَّصِدِقٍ ظُلُومٍ وَ عَامِلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ غَيْرُ رَحِيمٍ، فَاللَّهُ الْحَاكِمُ
فِيهَا فِيهِ تَنَازَعْنَا وَالْقَاضِي بِحُكْمِهِ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَنَا.

و اگر بدانید، مصیبت شما از همه‌ی مردم بزرگ‌تر است، که در حفظ جایگاه عالمان مغلوب شدید. زیرا گذرگاه کارها و احکام به دست عالمان به خداست، که بر حلال و حرام او امینند. این جایگاه را از شما ربودند، و آن از شما ربوده نشد مگر به خاطر پراکندگی شما از [حول] حق، و اختلافان در سنت [پیامبر(ص)]، با اینکه [بر آن] دلیل روشن داشتید. و اگر بر آزارها شکبیا بودید و در راه خدا هزینه‌ها را تحمل می‌کردید، امور خدا بر عهده‌ی شما در می‌آمد و از جانب شما به جریان می‌افتاد و به شما بازمی‌گشت. ولی شما ظالمان را در جای خودتان نشاندید و امور خدا را به آنان سپردید تا بر اساس شبهه‌ها کار کنند و به راه شهوت‌ها روند. فرار شما از مرگ و خوش بودن شما به زندگی دنیا که [ناگزیر] ترکتان خواهد کرد، آنان را بر این [جایگاه] چیره کرد.

پس، ناتوانان را به دست ایشان تسلیم کردید که یا همچون برده مقهور باشند و یا همچون مستضعفی برای اداره امور زندگی [در دست ایشان] اسیر. در کشورداری به اندیشه خود هر چه می‌خواهند می‌کنند و در اقتدای به اشرار و گستاخی نسبت به خدای جبار، با پیروی هوای نفس، کار را به رسوایی می‌کشانند. بر منبر هر شهر از شهرهای ایشان خطیبی است که بانگ برمی‌دارد و آنچه می‌خواهد می‌گوید. کشور در برابر ایشان بی‌معارض است و دست‌های ایشان در آن گشاده. مردم بردگان آنانند و دست [ستمی] که به ایشان ضربه زند را از خود نرانند. آنانی که برخی زورگو و ستیزه‌جویند، و برخی بر ناتوانان سلطه‌گر و تندخویند، اطاعت‌شوندگانی که [خدای] آغازگر [خلقت] و بازگرداننده [به قیامت] را نمی‌شناسند.

شگفتا! و چرا در شگفت نباشم که کشور در اختیار فریبکاری نابکار و مالیات‌گیری ستمگر و فرمانروایی بی‌رحم بر مؤمنان است، پس خدا در آنچه به خاطر آن به منازعه برخاسته‌ایم داور، و در آنچه از ستیزه که بین ما رخ داده به حکم خویش قضاوت‌گر است.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِی سُلْطَانٍ وَلَا اِلْتِمَاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِنُرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِیْنِكَ وَ نُظْهِرَ الْاَصْلَاحَ فِی بِلَادِكَ وَ یَاْمَنَ الْمَظْلُوْمُوْنَ مِنْ عِبَادِكَ وَ یُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ اَحْكَامِكَ فَاِنَّكُمْ اِنْ لَا تَنْصُرُوْنَا وَ تَنْصِفُوْنَا قَوٰی الظُّلْمَۃُ عَلَیْكُمْ وَ عَمِلُوْا فِیْ اِطْفَآءِ نُّوْرِ نَبِیِّكُمْ وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْنَا وَ اِلَیْهِ اَنْبَا وَ اِلَیْهِ الْمَصِیْرُ.»

خدایا! تو می‌دانی که آنچه از ما سر زد، نه برای رقابت در فرمانروایی بود و نه برای دستیابی به اندک مال دنیا؛ بلکه می‌خواهیم نشانه‌های آیین تو را بنمایانیم و اصلاح را در سرزمین‌های آشکار کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ی تو آسوده گردند و به فرائض و سنت‌های تو عمل شود. پس، همانا اگر شما، ما را یاری نرسانید و دادِ ما را ندهید، ستمگران بر شما نیرو گیرند و در خاموش کردن نور پیامبر شما بکوشند. خدا ما را بس است، بر او توکل کرده‌ایم، به سوی او به انابه رو می‌کنیم، و بازگشت به سوی اوست.»